

مقدمه :

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین مواردی است که در دین اسلام به اجرای صحیح آن تاکید شده است. اما همین اجرای صحیح آن همواره با مشکل روبه رو بوده است.

بله ، باز هم افراط و تفریط این دو غول وحشتناک که همواره رو به روی تمام مسائل اساسی اسلام قرار گرفته و مانند شمشیری برنده در دست دشمنان اسلام صلاح می شود. و حتی گاهی اوقات حکم خنجری را دارد که در دستان یک مسلمان قرار می گیرد که ندانسته به دین خود و شخص دیگری ضربه می زند.

گرچه پرداختن به این فریضه حساس الهی نیازمند تخصص ، تلاش و تحقیق گسترده است. اما تصمیم گرفتم این دو موضوع را برای ارائه تحقیق و کنفرانس در کلاس درس اخلاق اسلامی انتخاب کنم. در این تحقیق سعی خواهم کرد از کتاب های ارزشمند استاد مطهری ، دکتر بهشتی ، دکتر شریعتی و حضرت امام خمینی (قد) استفاده کنم. در این تحقیق ابتدا سعی بر ارائه ی تعریفی از فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر می کنم در بخش دوم به واقعه عاشورا که بنا به گفته استاد شهید مطهری بزرگترین نماد تاریخی اسلام در امر به معروف و نهی از منکر است می پردازم و در بخش سوم به بررسی وضعیت کنونی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در کشورمان خواهم پرداخت.

بخش اول : امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

از واجبات کفایی است و در معنای لغوی برای کسانی که کوچکترین آشنایی با زبان عربی داشته باشند قابل فهم است که امر به معروف و نهی از منکر یعنی دعوت به انجام

کارهای خوب (خوب در اینجا به معنی کارهای برابر با موازین شرعی اسلام) و ممانعت و بازداشتن از کارهای بد و زشت، اما اگر قرار بود فقط همین معنای لغوی را در نظر بگیریم دیگر نیازی به نوشتن این همه کتاب و برگزاری این همه گردهمایی و... نبود.

همه به راحتی این معنای لغوی را فهمیده بودند. وقتی در این کتاب ها کمی متمرکز شویم به سهولت در می یابیم که خیر، مسئله مفهومی تر از این حرفهاست. امر به معروف و نهی

از منکر از جمله ی مهمترین احکامی است که لازمه ی اصلی و لاینفک توجه به مقتضیات زمان و مکان است.

آیا امر به معروف و نهی از منکر حسین ابن علی (ع) در صحرای کربلا و آن در خون غلطیدن ها با حمله ی سپاه علی ابن ابیطالب به خوارج و کشتن آنها به یک شکل بود ؟

توصیه علی (ع) برای مروت با قاتل خودش پس از مرگش با ضربات شلاقی که علی (ع) بر پشت ولید (از حکمای عثمان) می زد به یک صورت بود .

پرواضح است که خیر نه این مثل آن بود و نه آن مثل این ، اما در معنا هردو یکی بودند. همه ی موارد بالا نمونه ای از اجرای امر به معروف و نهی از منکر بودند. پس روشن است

که مهمترین مسئله در اجرای امر به معروف و نهی از منکر توجه و علم به مقتضیات زمان و مکان است .

اما مطلب دیگری که در مورد امر به معروف و نهی از منکر قابل بررسی است ابعاد این فریضه ی الهی است بدین صورت که ما می توانیم چند بعد را در نظر بگیریم :

۱- بعد اخلاقی و تربیتی (مثل نوع برخوردهای یک پدر و مادر با فرزندشان یا یک معلم مدرسه با شاگردانش)

۲- بعد فرهنگی اجتماعی (مثل نوع برخورد با هنجارها و ناهنجارهای رفتاری جامعه)

۳- بعد سیاسی (مثل نوع برخورد با تحركات سیاسی احزاب و تشکل ها)

و نوع چهارم که مخلوطی از نوع ۲ و ۳ است مانند فرمان تاریخی حضرت امام برای تشکیل بسیج در زمان آغاز جنگ تحمیلی ، در اینجا با توجه به این که این تحقیق جهت ارائه در کلاس درس اخلاق اسلامی و آئین زندگی نوشته می شود ما به بعد فرهنگی - اجتماعی این فریضه ی الهی می پردازیم .

ضمناً قابل ذکر است که در مثال هایی که در بالا برای روشن شدن ابعاد امر به معروف و نهی از منکر آمده است منظور از ((برخورد)) مواجه شدن نه به معنای مانع شدن و سد کردن است .

بخش دوم : بررسی بعد فرهنگی اجتماعی

مسئله ای که در این جا لازم به توضیح است اینست که ما بدانیم امر به معروف و نهی از منکر گرچه بر تمامی مسلمانان واجب است اما در نوع اجرا به موارد مختلفی تفکیک می شود.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر :

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است که احراز شرایط زیر برای شخصی که می خواهد این کار را بکند لازم است :

۱- اگر کسی بداند امر به معروف و نهی از منکر اثر نمی کند و جواب از آن شخص برداشته می شود.

۲- اگر کسی معروف و منکر را نمی شناسد و جواب از او برداشته می شود.

۳- اگر کسی احتمال دهد که امر یا نهی ضرر قابل توجه دارد بر او واجب نیست.

۴- نسبت به چیزی که امر یا نهی می کند علم داشته باشد.

پس مشاهده کردیم که اجرای این فریضه ی الهی لازمه ی رعایت کردن موارد بالاست.

چه بسا بسیار افرادی بودند که می خواستند با امر به معروف و نهی از منکر به فرد نادانی

کمک کنند اما نه تنها موفق به کمک کردن به آن شخص نشدند بلکه موجب انحطاط بیشتر او نیز شده اند.

در بخش بعدی در این مورد بیشتر بحث خواهد شد.

شاید همواره وقتی با جمله ی امر به معروف و نهی از منکر برخورد می کنیم ناخود آگاه با یک احساس خشونت مواجه شویم و این احساس که در خیلی از جوانان تداعی می شود متأسفانه دلایل گوناگونی دارد از جمله اجرای ناصحیح آن که موجب نوعی ترس در فرد می شود.

گرچه همانطور که می دانیم امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که در زیر آمده است :

الف) نوع اول امر به معروف و نهی از منکر با زبان است که آن نیز با در نظر گرفتن شرایطی که در بالا آورده شده برای فرد واجب می شود.

ب) اما حالت دوم که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد برخورد انتظامی است که این نوع دوم نه تنها بر همه واجب نیست که بر افراد خاص و شخصی وظیفه است مثلاً از بعد تربیتی پدر یا مادر تنها کسانی هستند که مجاز به این نوع برخورد با فرزندشان هستند.

گرچه برای برخورد آنان نیز خط قرمزهایی وجود دارد در مورد سایر ابعاد نیز مسئله به همین صورت است مثلاً در بعد اجتماعی این وظیفه ی پلیس است که در صورت لزوم برخورد انتظامی بکند و در مورد ابعاد امنیتی این وظیفه سپاه و ارتش است که دخالت کنند نه هر کس به طور خودسر، در پایان این بخش یادآور می شویم که همواره برترین و

بزرگترین امران به معروف و ناهیان از منکر پیامبران و امامان بوده اند و این تاییدی است بر این مدعی که امر به معروف و نهی از منکر کار صالحان است و ادامه راه پیامبران خدا.

بخش دوم:

در این بخش به بررسی مواردی از اجرای امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ می پردازیم و سپس نتایج حاصله از آنرا بررسی می کنیم.

گرچه تعداد زیادی از این موارد را می توان بررسی کرد ما به اختصار به چند مورد اشاره می کنیم.

الف) واقعه ی عاشورا:

همه ما با حادثه ی عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش آشنا هستیم. واقعه ی جانگدازی که مهمترین هدف از آن احیای دین بود. دین اسلامی که پس از حادثه ی تاسف بار حکمیت در جنگ صفین همچون شمعی رو به خاموشی نهاده بود. اسلامی که اثر آنروز امام حسین بر علیه به تاریخ سپرده شدنش قیام نمی کرد.

شاید امروز حتی در تاریخ هم اشاره ای بدان نمی شد بله امام حسین برای احیای دوباره دین اسلام که حاصل رنج ها و مصیبت های جد بزرگوارش حضرت محمد (ص) بود قیام کرد. و این قیام بر علیه ظلم و ستم معنایی نداشت جز اجرای فرمان خدا مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر، بدون شک هدف بلند آن حضرت در نهضت عدالتخواهانه عمل

به دو اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر یا دعوت به قانون مداری و هشدار از قانون شکنی و خودکامگی است.

اگر می بینیم امام حسین در قضیه عاشورا امر به معروف و نهی از منکر را از روش برخورد انتظامی - نظامی اجرا کرد دلش این بود که نه تنها پدر و برادر و حتی خود ایشان به مدت چند سال با رفتن به منبرها و سخنرانی هایشان و نامه هایشان و . . . روش اول را بسیار امتحان کرده بودند، بلکه حتی در هجرت به سمت کوفه با سپاه نیز به نیت قطعی امام نبود.

امام حسین در کربلا بعد از اینکه متوجه شدند که حاکمان زور و استبداد به هیچ وجه قصد تغییر در رفتارهای خود را ندارند مجبور به جنگیدن شدند. نقل است از ایشان که فرموده اند: ((اگر جز با کشتن من دین جدم احیا نمی شود پس ای شمشیرها مرا دریابید)) پس مشاهده می کنیم که امام حسین (ع) در اجرای فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر آخرین مرحله را جنگیدن در نظر گرفته بود. که متأسفانه جز با همین کار رسیدن به هدف ممکن نبود.

شاید سوالی در اینجا به ذهن خطور کند که ما پیشتر گفتیم که یکی از شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر اینست که شخصی از شر نادان در امان باشد و موجب صدمه دیدنش نشود پس چرا امام حسین (ع) چنین نکرد.

باید توجه کنیم که شرایط بیان شدن در بخش قبل در شرایط عادی قابل احراز است اما در زمان حادثه ی عاشورا شرایط مسلمانان و دین اسلام فوق العاده خطرناک بود. در آن زمان آزادی و آزادگی که از ثمرات حکومت دینی بود در اسارت ظالمان اموی بودند. معاویه حکومت و خلافت اسلامی را حق خود و خانواده اش دانسته بود و آنرا همانند سلطنت در کشورهای چون ایران موروثی کرده بود و اسلام حقیقی و مسلمانان واقعی را گوشه گیر و منزوی کرده بود و مردم را شایسته نظر دادن در مورد حکومت و حاکمانش نمی دانست.

پس امام حسین قیام کرد برای آزادی و آزادگی و فرمود و انی لم اخرج شعراً و لا بطراً و لا مفسداً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان آمرؤ بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیره بیده جدی و ابی...
من از شهر و دیار خویش نه برای راحت طلبی و وانهادن مسئولیت به راه افتادم و نه برای خوش گذرانی و بیهوده گی . که نه انگیزه ام ستم کاری و بیدادگری و نه تبهکاری بلکه می خواهم جامعه را از نگونسازی و اسارت نجات دهم و به خواست خدا به سامان آورم و اصلاح کنم.

پس مشاهده می شود که اصلاح و آزادی از مهمترین هدف های امام حسین (ع) برای قیامشان بوده است. به لشکریان سپاه عمر که می داند پس از شهادتش چه به زور زنان و

بچه ها و اسیران می آورند توصیه می کند که اگر به دین و آیین و قانون و مقرراتی پایبند نیستند لا اقل آزاده باشید.

آری در کربلا رسالت حسین (ع) جز با شهادت خودش و یارانش به انجام نمی رسید اما پس از شهادت امام و یارانش روز عاشورا تمام شده بود نه رسالت عاشورا از این به بعد زینب کبرا (ع) پرچمدار راهی بود که برادرش آغاز کرده بود.

او با سخنرانی ها و افشاگری های رفتار و جنایات سپاه ظاهراً مقدس یزید در واقعه کربلا حصار نفوذ ناپذیری و قداست ظاهری حکومت یزید را شکست و مردن را نسبت به واقعیات روشن ساخت و پس با قیام مختار رسالت عاشورا پایان گرفت و چون برگی زرین در تاریخ اسلامی مسلمانان حقیقی و مانند برگه ننگین در طومار اسلام ستیزی معاویه و یزید برای همیشه روزگار جاوید ماند و تا همکنون اثرات و نتایج خود را برای بیداری مسلمانان باقی گذاشت.

همانطور که حضرت امام خمینی (قد) فرمودند: محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است (سال ۱۳۶۶ سخنرانی در روز عاشورا) بله امام حسین به شهادت رسیدن تا ما اکنون بدانیم که آزادی و آزادگی اسلامی که امروز کلام هر مسلمان و نامسلمان می شود به قیمت خون او بدست آمده.

حال همه ی ما بیشتر می توانیم وسعت حرکت امام حسین را و عظمت امر به معروف و نهی از منکر همیشگی او را درک کنیم.

اینک که این مسئله تاریخی را که در سال ۶۰ هجری رخ داد مرور کوتاهی کردیم بر آن هستیم تا در بخش بعد که مفصل ترین بخش این تحقیق است به بررسی وضعیت کنونی امر به معروف و نهی از منکر در کشور پردازم.

بخش سوم:

هرگاه در کشور ما اعلام می شود که مثلاً از فردا هفته ی امر به معروف و نهی از منکر است فوراً همه ی مردم منتظر حضور بیشتر پلیس و لباس شخصی ها در سطح شهر می شوند. مادرها به دخترهاشون هشدار می دهند که تو خیابون حجابت رو رعایت کنی ها و گرنه بهت گیر می دن. قرارهای دختر و پسرهایی که اهل قرار گذاشتن کمرنگ تر و با احتیاط بیشتری همراه می شه و صدای پخش موسیقی ماشین ها هم کم می شود چه ما خوشمان بیاید و چه ناراحت شویم این ها حقیقت است و حقیقت محضی است که ما جوانان بیشتر از هر کسی بر آن واقفیم.

اما سوال اینجاست که یعنی این امر به معروف و نهی از منکری که در بخش قبل دیدیم امام حسین (ع) چقدر در مورد آن اهمیت قائل شدند و جان و مال و ناموس خود را به خطر انداخته اند همه اش به همین معنایی است که در بالا آمد.

آیا به جای آن دختری که از ترس اینکه پلیس او را بازداشت کند با وحشت از خیابان های تاریک و بیراهه می گذرد نباید دل آن کسی بترسد که پول نفت این مملکت را به تراج می دهد؟ آیا به جای آن پسر و دختری که در صحن دانشگاه مشغول صحبت کردن

هستند و هر لحظه از ترس اینکه مامور حراست دانشگاه بیاید و آنها را به کمیته ی انضباطی دعوت کند نباید دل آن رئیس حراستی بلرزد که با ۲، ۳ دختر دانشجو در اتاق و پشت درهای بسته خلوت می کند و از گریه و التماس آنها لذت می برد؟ آیا گرفتن پست و مقام و داشتن لباسی خاص به معنی مصونیت در برابر امر به معروف و نهی از منکر است؟ متأسفانه نمی توانم در یک تحقیق درسی مثال ها و نمونه های متعددی از این قبیل حوادث تلخی را که در اطراف خودمان می بینیم را ذکر کنم اما گفته که عاقل با اشاره ای متوجه می شود ، آری متأسفانه امروز این چنین است به جای اینکه با مقوله ی فرهنگی مثل حجاب ، مثل روابط دخترها و پسرها و ... برخوردهای فرهنگی صورت گیرد برخوردهای انتظامی و فیزیکی می شود اما در برخورد با مفسدان اقتصادی و آقا زاده با ملایمت و احتیاط برخورد می شود.

شاید عقب رفتن روسری یک دختر و صحبت یک دختر و پسر بوغ زدن در شب عروسی یک زوج جوان گناه کبیره است و سوء استفاده از بیت المال ، پیش فروش نفت کشور ، رانت خواری و قاچاق دختران فراری به کشورهای همسایه ، گناه صغیره یا شاید هم مکروه است؟

چرا در کشور ما مثلاً با تهاجم فرهنگی که اسمش روش هست که یک حرکت فرهنگی است ما با چماق دفاع می کنیم؟ چون توان دفاع فرهنگی نداریم . چرا اسامی مفسدان اقتصادی فاش نمی شود؟ چون توان افشایش را نداریم. چرا گروهی اینقدر در

جامعه ی ما خودسر عمل می کنند و افراطی که حتی به تذکر مقام معظم رهبری هم توجهی نمی کنند؟ چرا همه فکر می کنند صحبت از امر به معروف و نهی از منکر که می شود باید منتظر سخت گیری های دولت و پلیس و ... علیه مردم باشیم؟

آیا به این فکر کرده ایم که چرا در امر به معروف و نهی از منکر ما نباید سراغ دولت و پلیس و ... برویم؟

حقیقت اینست در وهله ی اول حکومت باید به مردم جواب بدهد حکومت و حاکمان باید از امر به معروف و نهی از منکر بترسند. امر به معروف و نهی از منکر کار یک نهاد و ستاد فرمایشی نیست که بخواهد بین برخوردها تفاوت قائل شود و ره آورد آن حکومت بر کالبدها و ظاهرها با زور و فشار با دخالت در امور و شئون خصوصی مردم و سلب امنیت و آزادی از آنان نیست و شعاع عمل آن هم نه کوتاه کردن مو و ناخن جوانان است نه تحقق شعار یا روسری یا توسری .

در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر رساترین دلیل بر لزوم روزنامه ها و مطبوعات آزاد تریبون ها و منبرهای منتقل ، و مردم هم باید ناظر هوشمند و مراقب قانون مداری و قانون گرایی صاحبان قدرت باشند.

اگر ما می خواهیم دخترها و پسرهای کشورمان به قوانین فرهنگی اسلام احترام بگذارند باید اول حکومت را اصلاح کنیم. حکومتی که خود نمایانگر اسلام است. زمانی جوانان ما

به حرف مسئولان گوش خواهند داد که به آنان اعتماد کنند این یک امر طبیعی است باید اول حکومت را تربیت کند سپس به تربیت مردم پردازد.

امام علی (ع) می فرماید: ((به خدا سوگند من شما را به هیچ فرمان و قانونی فرا نمی خوانم جز اینکه خود پیش از شما به انجام آن همت گمارم.^۱

مطلب دیگری که جای بحث دارد اینست که هر کسی نمی تواند خودسر تصمیم به اصلاح جامعه بگیرد و فکر کند آنچه او می اندیشد درست است. امام علی فرموده اند: آنکس که خود را ادب بیاموزد و تربیت نماید از آنکه دیگری را آموزش می دهد به تجلیل و گرامی داشت شایسته تر است.^۲

مسئله دیگری که در اینجا بدان خواهیم پرداخت بحث تفکیک مراکز نهادهای اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. امروزه متأسفانه نیروی انتظامی در کشور ما (با کمک بسیج) تنها ارگان اجرای این فریضه ی الهی هستند. اگر از بخش اول بیاد داشته باشیم آخرین مرحله ی امر به معروف و نهی از منکر برخورد انتظامی بود، ولی مشاهده می کنیم ارگان و نهادی باید در آخرین مرحله و آنهم در صورت لزوم و فقط در موارد خاصی وارد عمل شود. همه ی امور را از همان ابتدا در دست دارد.

برخورد قهر آمیز با این پدیده های فرهنگی هیچ نتیجه ای جز افزایش ناهنجارهای اجتماعی در پی نخواهد داشت.

۱ - نهج البلاغه قصار ۷۳
۲ - نهج البلاغه قصار ۱۷۵

همانطور که تا کنون نیز چنین بوده است. برای مثال در نظر می گیریم هنگامی که دو جوان برای صحبت با هم، در مورد هر موضوعی در خیابان هستند و پلیس یا بسیج آنها را به جرم زن و شوهر نبودن یا خواهر و برادر نبودن بازداشت می کند این حرکت پلیس که مثلاً همان نهی از منکر است چه نتیجه ای را در پیش خواهد داشت آیا نتیجه جز این است که آنها قرار بعدی خود را جایی پنهان از چشم پلیس و بسیج و... و در زیر یک سقف می گذارند؟ آیا این مسئله حل شد یا خرابتر شد؟

گذشته از این آیا واقعاً بزرگترین مشکل امروز جامعه ی ما همین مسائل پیش پا افتاده و کوچک است. یعنی اگر همه با رو بند در خیابان ظاهر شوند و هیچ رابطه ای بین زنان و مردان در سطح جامعه نباشد همه ی مشکلات حل می شود؟ آیا این افراط گری ها سرپوش گذاشتن بر مسائل مهمتر نیست؟

ما نباید امر به معروف و نهی از منکر را بعنوان غولی برای جوانان در برابر آزادی های طبیعی و مشروعشان قرار دهیم. انسان آزاد آفریده شده، امام علی (ع) به امام حسین (ع) وصیت می کند ((ولا مکن عبد غیرک و قد جعلک الله مرأاً)) پسرم هرگز برده و دنبال روی کسی نباش که خدا تو را آزاد آفریده است. اولین قدم در مبارزه فرهنگی با تهاجم فرهنگی شناساندن خوبی و بدی ها و تفکیک این دو از هم است.

وقتی تفاوت خوبی از بدی مشخص شد هیچ انسان عاقلی به سمت بدی نمی رود اما اگر کمی تفاوت این دو را ندانست از او توقعی نباید داشت.

امام علی (ع): گناهکاری که از جرم خود آگاه نیست گناهی ندارد.^۲

آیا ما نیز چنین می اندیشیم؟ ما باید امر به معروف کنیم که اثر این کار را صحیح انجام دهیم مطمئن باشیم که به نهی از منکر نیازی نیست. امر به معروف و نهی از منکر فریادی

است در برابر انحصار گرایی و تحجر متاسفانه امروز برخی از تاریک اندیشان که نعمت گرانها و بی بدیل آزادی و آزادی خواهی را هنوز بر نمی تابند و در آغاز هزاره ی سوم واژه های زیبایی همچون آزادی اصلاحات حقوق بشر برابری همگان در برابر قانون، حق مالکیت انسان بر سرنوشت خود، قانون گرایی و عمل در برابر قانون نقد پذیری حاکمان و پاسخگو بودن صاحبان قدرت و ثروت و امکانات باد آورده در برابر مردم لزوم مطبوعات

و رسانه های مستقل را سوغات نامبارک غرب و ابزار خود ساخته ی تهاجم فرهنگی می پندارند.

چرا فراموش کرده ایم که آزادی، برابری برادری متن و پایه اساسی اسلامی بود که حضرت محمد (ص) در ۱۴۰۰ سال قبل آنرا ارائه کرد؟ چرا ما باید حال این کلمات را از

دهان امریکائها و اروپائیهایی بشنویم که بیش از ۲۰۰ سال از تمدنشان نمی گذرد؟ چرا به بهانه ی همین امر به معروف و نهی از منکر که ندای همان دموکراسی هست را مختص مبارزه با جوانان خودمان کرده ایم؟

۱ - در سوگ امیر آزادی ص ۳۶
۲ - نهج البلاغه قصار ۱۰۶

آیا تمام دنیا اشتباه می کنند و فقط ما درست می اندیشیم؟ چرا به عنوان یک حکومت

اسلامی روابط سیاسی مان را با اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان مخدوش کرده ایم؟

آری گویا مسئولان ما استقلال طلبی را با غار نشینی اشتباه گرفته اند ما نادانسته (یا شاید

هم عده ای دانسته) تیشه به ریشه ی اسلام می زنیم. چرا در نمی یابیم که اکنون

جمهوری اسلامی که با خون هزاران جوان گلگون کفن بدست آمده بهترین فرصت برای

نشان دادن چهره ی مهربان کامل و عالمانه ی اسلام در انظار عمومی است.

به گفته ی امام خمینی (قد) در وصیت نامه شان ضربه ای که اسلام در طول عمرش از

جاهلین مقدم مآب خورده بسیار بیشتر از ضربه ای بوده که از دشمنانش خورده. (وصیت

نامه سیاسی الهی امام خمینی)، اگر کمی دقت کنیم متوجه می شویم که دشمن واقعی ما

به خوبی راههای کور کردن جمهوری اسلامی را شناخت و از آن به نحو احسن استفاده

کرد.

دشمنان جمهوری اسلامی می دانند چه مهره هایی را باید حذف کنند تا کسانی که منادی

اصل امر به معروف و نهی از منکر که پایه انقلاب اسلامی نیز بود از بین بروند. کسانی

همچون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر بهشتی و رجایی و...

در پایان به معروف و نهی از منکر یک فریضه ی مقدس الهی است که اجرا و رعایت

دقیق آن موجب عزت و پایداری حکومت اسلامی است و اکنون که جنگ جنگ

فرهنگی شده است از نهادهایی همچون حوزه ی علمیه قم شورای عالی انقلاب فرهنگی و

وزارت ارشاد و . . . که متصدیان فرهنگی - سیاسی هستند انتظار می رود تدبیری فرهنگی

اتخاذ کنند تا بیش از این ضربه به این انقلاب نوپای اسلامی وارد نشود.

نتیجه گیری:

هنگامی که در کتابخانه ی مسجد الرضا مشهد کتابهای مختلف را مرور می کردم تا این تحقیق را جمع و جور کنم به این فکر می کردم که واقعاً اگر قرار باشد خودمان تحقیقی

ارائه دهیم چقدر جمع کردن مطلب مشکل است. اما هرچه پیش می رفتم متوجه می شدم که چقدر مطلب زیاد است ولی افسوس که فرصت بسیار کم بود.

بهرحال همانطور که در مقدمه بیان کردم در این تحقیق تمام تلاش خود را بکار بستم تا هرچه می توانم جامع تر و بهتر عمل کنم با این وجود مطمئن هستم که اشکالات و نظرات اشتباه بسیاری در آن وجود دارد که کاش فرصت می بود و می شد در محضر شما استاد ارجمندم بتوانم آنها را رفع کنم.

بهرحال هدف مقدمه را که ارائه ی تعریفی از امر به معروف و نهی از منکر و بررسی واقعه ی عاشورا

و همچنین بررسی وضعیت کنونی این فریضه در کشور بوده است را دنبال کرده ام و فکر می کنم به ۷۰٪ از آنچه می خواستم رسیدم.

در پایان لازم به تذکر است که مطالبی که در بخش سوم آمده است صرفاً برداشت های شخصی خودم از کتاب ها، روزنامه ها و سخنرانی هایی بوده که در این مورد شنیده ام و اگر اشاره به نهاد یا پستی شده است به هیچ وجه شخص خاصی را مد نظر نداشتم و مطلب کلی بوده است.

به امید روزی که همه از ایرانی آباد ، آزاد ، مستقل و اسلامی در سایه سار ولایت فقیه

لذت ببریم .

منابع :

۱- اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر ، پدیدآورنده: محمداسحاق

مسعودی

۲- امر به معروف و نهی از منکر ، پدیدآورنده: محسن قرائتی

۳- امر به معروف و نهی از منکر ، پدیدآورنده: محمد سروش ، سیدمحمد

مقدس نیان

۴- امر به معروف و نهی از منکر ، پدیدآورنده: سیدحسن اسلامی